یادداشت

تلاش برای تجزیه کشورها، دامن آمریکا را خواهد گرفت

نوذر شفیعی
استاد دانشگاه

امروزه تصرف خاك دیگر کشورها برای قدرت‌های بزرگ دشوار است، زیرا احساسات ناسیونالیستی اجازه نمی‌دهد قدرت‌های دیگر در سرزمین‌های اشغال شده ادامه حیات دهند، لذا این قدرت‌ها بعد از تحمل هزینه‌های سنگین ناچار به ترك خاك کشور اشغال‌شده هستند. برهمین اساس دولت‌های بزرگ برای دستیابی به اهدافشان تجزیه خاك را مورد توجه قرار داده‌اند، زیرا با تجزیه کشورها به جای این‌که با یك کشور قدرتمند سروکار داشته باشند با کشورهای ریز قدرت سر و کار دارند و طبیعی است تحمیل سلطه بر این کشورها آسان‌تر از قدرت‌های متوسط و بزرگ است.

در این ارتباط چالش جدی این است که اگر تجزیه‌ای اتفاق بیفتد به‌صورت دومینو وار بسیاری از کشورها را دربرمی‌گیرد. به همین دلیل به‌عنوان مثال نسبت به تجزیه کردستان عراق، واکنش منفی نشان داده شد، زیرا جهان از آسیب‌پذیری آن مصون نخواهد ماند.

به همین دلیل امروزه الگوی رایج در رفتار قدرت‌های بزرگ، آسیب‌پذیر کردن یك کشور از طریق نیروهای داخلی آن کشور است. به‌عنوان مثال آنچه در هنگ‌کنگ می‌گذرد طراحی آمریکایی-انگلیسی است که البته قصد آنها تجزیه این کشور نیست بلکه تحت فشار قرار دادن چین است. البته قدرت‌های بزرگ باید بدانند تجزیه کشورها به ضرر خود آنها هم خواهد بود، زیرا دامنگیر همه کشورها از جمله آمریکا نیز خواهد شد. شاید به همین دلیل باشد که آمریکا در سال‌های اخیر از قومیت‌ها و مذاهب برای تحت فشار قرار دادن کشور هدف استفاده می‌کند.

با این حال همان‌طور که شاهد بوده‌ایم آمریکا تاکنون در دستیابی به اهدافش در این زمینه ناموفق بوده‌است، چراکه حکومت‌های مقتدر در کشورهای هدف همچنین ملاحظات منطقه‌ای موانعی در مسیر دستیابی آمریکا به اهدافش ایجاد کرده است. زمانی که کردستان عراق به سمت همه‌پرسی حرکت کرد ملاحظات منطقه‌ای بیشترین فشار را به کردستان وارد کرد. ترکیه، سوریه و ایران به صورت غیر مستقیم به کمك دولت مرکزی عراق رفتند و با تقویت دولت عراق، توان نیروهای واگرا در عراق دچار رکود شد.

در مورد یمن نیز باید به این موضوع اشاره کرد که درگذشته تلاش‌های گسترده‌ای در این کشور در جهت تجزیه صورت گرفت، اما آنچه مشخص است این است که تمایل مردم این کشور به سمت وحدت است بنابراین مهم‌ترین موضوع این است که مردم تعارضات داخلی خود را کنار گذاشته و با تفکرات تجزیه‌طلبانه مقابله کنند و در مرحله بعد تمامیت ارضی این کشور در اولویت اصلی باشد و ملت یمن باید در برابر گرایش‌های تجزیه‌طلبانه بایستند.

تحریم چند شرکت و نهاد خارجی از سوی آمریکا

چندین شرکت تجاری و نهاد اماراتی، مالزیایی، ارمنستانی، بلژیکی، گرجستانی و هنگ کنگی به اتهام ارتباط با ایران در فهرست تحریم‌های جدید آمریکا قرار گرفته‌اند.

یك شرکت هنگ‌کنگی به اتهام ارسال فناوری‌های آمریکایی برای ارتش ایران و دو نهاد بلژیکی، سه نهاد اماراتی، یك نهاد مالزیایی و یك نهاد گرجستانی به اتهام تلاش برای ارسال آلومینیوم به ایران از طریق مالزی به فهرست تحریم‌های آمریکا اضافه شده‌اند. دو نهاد ارمنستانی نیز به این اتهام که مدیر اجرایی هر دو نهاد مشغول به داد و ستد با چندین سازمان ایرانی بوده است، در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار گرفته‌اند.

در عین حال وزارت خزانه‌داری آمریکا به شرکت فرانسوی. ایتالیایی ای‌تی‌آر (ATR) که تولیدکننده هواپیماهای دارای موتور توربین‌دار است، اجازه داده تجهیزات مورد نیاز ایران ایر را تامین کند. توصیه‌های دفتر کنترل امور دارایی‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا درخصوص صنعت هوایی مرتبط با ایران که به‌تازگی منتشر شده شامل هیچ تحریم جدید یا اصلاحیه تحریمی علیه ایران نمی‌شود. / ایسنا

روحانی: اسرائیل اگر می‌تواند امنیت خود را حفظ کند

رئیس جمهور با تأکید بر این‌که کشورهای ساحلی خلیج فارس در کنار هم می‌توانند امنیت و ثبات منطقه را حفظ کنند، طرح ادعاهایی که رژیم صهیونیستی می‌خواهد در امنیت منطقه حضور داشته باشد را سخنان پوچ توصیف کرد و گفت: پاسخ به این ادعاها روشن است، اسرائیلی‌ها اگر می‌توانند همان جایی که هستند امنیت خود را حفظ کنند! گرچه آنها هر جا که حضور داشتند، ناامنی، کشتار و ترور ایجاد کردند و عامل اصلی تروریزم، جنگ و کشتار در این منطقه صهیونیست‌ها و رژیم غاصب اسرائیل است. حسن روحانی که در جلسه هیأت دولت صحبت می‌کرد در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به کاهش تعهدات برجامی ایران گفت: در جریان روند کاهش تعهدات نیز مذاکرات را ادامه می‌دهیم ولی اگر در پایان ۶۰ روز دوم به نتیجه نرسیدیم، حتما مرحله سوم را آغاز خواهیم کرد و بعد از آن باز هم ۶۰ روز فرصت خواهیم داد تا به راه‌حل منطقی، درست و متوازن برسیم و به تعهد در برابر تعهد پایبند هستیم. / ایرنا

گزارشی از تلاش‌های ادامه‌دار محور عبری - عربی - غربی برای بی‌ثبات‌سازی منطقه

فتنه‌ای به نام تجزیه

پس از طرح نقشه‌هایی برای ایجاد یک خاورمیانه بزرگ، حالا تحرکات جدیدی در این زمینه به چشم می خورد

گروه سیاسی

طی دو قرن اخیر و به ویژه در دو دهه اخیر زمینه تنش، درگیری، آشوب و ناآرامی در منطقه غرب آسیا تشدید شده است. بسیاری از کشورها درگیر جنگ‌های داخلی شدند و گروه‌هایی با طرح ادعاهای قومی و مذهبی به مصاف هم رفتند و خون‌های زیادی ریخته شد اما همچنان منطقه گرفتار آشوب است. واقعیت آن است که علاوه بر تضادها و تفاوت‌های سیاسی، مذهبی و قومی موجود در این منطقه، مهم ترین علل آشوب در غرب آسیا ناشی از نقش‌آفرینی نیروهای فرامنطقه‌ای به ویژه طرح‌های شیطنت‌آمیز سیاست‌ورزان غربی و آمریکایی است که می‌خواهند این منطقه روی آرامش نبیند و همچنان زمینه برای تحمیل فتنه‌های آنان فراهم شود. غرب و آمریکا در پی گسترش نفوذ خود بر منطقه هستند و در کنار اهداف ریز و درشتی که دنبال می‌کنند دو راهبرد یعنی حفظ امنیت رژیم صهیونیستی و تسلط بر منابع انرژی خاورمیانه را به صورت جدی در پیش گرفتند. طبعا دولت‌ها و ملت‌هایی که با این سیاست‌ها مخالف باشند در معرض توطئه آمریکایی‌ها قرار می‌گیرند. حمایت مادی و معنوی از گروه‌های مخالف، تشدید اختلافات قومی و مذهبی، کودتا، شورش و... از جمله برنامه‌هایی است که در دستور کار غربی‌ها قرار دارد. در همین زمینه توطئه‌هایی را در مورد کشورهای مختلف از جمله عراق و سوریه، طراحی کردند که به شکست انجامید و به نظر می‌رسد تازه ترین پروژه آمریکا و غرب که با اجرای برخی کشورهای منطقه از جمله عربستان و امارات در حال اجرا است تجزیه یمن است. اما همان طور که رهبر انقلاب، روز سه‌شنبه در دیدار هیات یمنی تاکید کردند در صورت ایستادگی مردم یمن و حمایت آنها از یمنِ یکپارچه، متحد و با تمامیت ارضی، این توطئه نیز شکست خواهد خورد.

آمریکایی‌ها چند سالی است که در قالب طرح‌ها وسناریوهایی به دنبال تجزیه کشورهای غرب آسیا هستند اما ناکام مانده‌اند

ریشه‌های طرح خاورمیانه بزرگ

آمریکا و رژیم صهیونیستی در یکی دو دهه اخیر، برای این که تکلیف دولت‌های مستقل را در خاورمیانه یکسره کنند در مراکز مطالعاتی و اتاق فکر خود طرح‌های مختلف را بررسی کردند تا این که آخر کار به سناریوی خاورمیانه بزرگ رسیدند. هدف از این طرح تجزیه کشورهای عربی منطقه خاورمیانه، ترکیه، ایران، پاکستان و کشورهای مسلمان قفقاز به اقلیم‌های کوچک‌تر است. برابر با این طرح، رژیم صهیونیستی محوریت پیدا می‌کند و کشورهایی که با اجرایی کردن این نقشه تجزیه شدند به خاطر مسائل قومی و مناقشات مرزی به صورت دائم با یکدیگر در منازعه خواهند بود.

بانی و واضع اصلی این سناریو، شیمون پرز رئیس پیشین رژیم صهیونیستی است. وی در سال ۱۹۹۳ کتابی به نام خاورمیانه جدید نوشت و خواستار همکاری کشورهای منطقه برای شکل‌گیری یک نظام اقتصاد آزاد به بلوکی با محوریت اسرائیل شد. آمریکایی‌ها با استقبال از این طرح در جهت اجرایی کردن آن ترفندهای مختلفی را در پیش گرفتند. از جمله این که طرحی با عنوان توسعه انسانی و گسترش دموکراسی در منطقه از سوی کالین پاول وزیر امور خارجه پیشین ایالات متحده در سپتامبر ۲۰۰۲ در بنیاد «هریتیج» کلید خورد. به زودی مشخص شد که هدف اصلی این برنامه تغییر جغرافیای سیاسی منطقه است. در همین ارتباط کاندولیزا رایس وزیر امور خارجه وقت آمریکا پس از جنگ ۳۳ روزه لبنان گفت: آنچه ما در آنجا شاهدش هستیم، دردهای زایمان یک خاورمیانه جدید است. ما باید مطمئن باشیم که به سوی این خاورمیانه قدم بر می‌داریم و نه برای بازگشت به خاورمیانه پیشین.

تلاش برای تجزیه یمن

بعد از ناکامی‌های پی در پی آمریکا و اسرائیل از تحقق طرح خاورمیانه بزرگ، موضوع تجزیه یمن در دستور کار قرار گرفت. بیش از دو دهه پیش، دو کشور یمن شمالی و جنوبی متحد شدند اما برخی از دولت‌ها در پی تجزیه مجدد آن کشور به سرزمینی دو پاره یا چند پاره برآمدند. اکنون شرایط سختی بر مردم این کشور حاکم است و یمن در پی آشفتگی‌های موجود به یکی از فقیرترین کشورهای دنیا تبدیل شده است. برخی کشورهای عرب منطقه، هر کدام طرحی برای تجزیه این کشور دارند. در یک سو عربستان قرار دارد که در پی تبدیل یمن به هفت اقلیم جداگانه است. عربستان البته عواملی هم در داخل یمن دارد. در شرایط کنونی یک ساختار سیاسی بی‌هویت و سرسپرده با سرکردگی منصورهادی با عنوان ساختگی رئیس دولت یمن در صنعا مشغول فعالیت است. البته این رئیس دولت خودخوانده عملا اختیاری ندارد و بیشتر در عربستان روزگار خود را می‌گذراند اما با این وصف همچنان بر ادعای خود مبنی بر قانونی بودن دولتش باقی است. عوامل منتسب به او هم در صنعا حضور دارند و در کاخی مستقرند و با این وصف کنترلی روی صنعا ندارند. عربستان تمامی تلاش خود را برای باقی نگه‌داشتن منصور هادی به کار بست و حتی برای اینکه جلوی پیشروی نیروهای مردمی و حوثی‌ها را به صنعا بگیرد به همراه چند کشور، عملیات پرطمطراق توفان صحرا را به راه انداخت اما بعد از چهار سال در گردابی سخت گرفتار آمد و اکنون در اندیشه رهایی از آن است. در بخش جنوبی اما گروهی تجزیه‌طلب و تحت حمایت امارات عربی متحده قرار دارند که خواهان جدایی مجدد شمال و جنوبند. در استان ابین هم القاعده حضور دارد که سودای تشکیل امارت اسلامی را دارد. در استان صعده هم حوثی‌ها قرار دارند که برخلاف دو گروه پیشین، مخالف حضور قدرت‌های خارجی و به دنبال شکل‌گیری یک حکومت یکپارچه در یمن با حضور همه گروه‌ها هستند. حوثی‌ها را باید مقاوم‌ترین نیرو در برابر تجزیه‌طلبی دانست که با وجود تحمل فشارها و سختی‌های زیاد کم کم مواضع آنها در برابر متجاوزان و تجزیه طلبان محکم تر می شود.

گزارش‌ها حاکی از تلاش آمریکا برای تجزیه یمن به چهار دولت کوچک یا دو دولت شمالی و جنوبی است. این طرح از سوی وزارت جنگ آمریکا تهیه و از سوی کاندولیزا رایس وزیر خارجه اسبق آمریکا ارائه شده است. وجود این دولت‌ها به‌خصوص تثبیت دولت جنوبی از منظر سیاستمداران آمریکا باعث تثبیت منطقه مهم باب المندب می شود و با توجه به اهمیت این بندر، کشتی های رژیم صهیونیستی امکان تردد مطمئنی را تجربه خواهند کرد.

عربستان در پی اجرای طرح فدرالی کردن یمن است. براساس طرحی که از سوی رژیم سعودی به شورای همکاری خلیج فارس ارائه شد یمن به شش اقلیم تقسیم می‌شود. یکی از اهداف اجرایی کردن این طرح، تلاش حکام سعودی برای پیاده کردن پروژه احداث خط لوله نفتی از داخل عربستان تا استان حضرموت و ادامه آن تا اقیانوس هند است. اجرایی شدن این طرح عربستان را قادر خواهد ساخت که نفت خود را بدون عبور نفتکش ها از تنگه هرمز یا باب المندب صادر کند. حاکمان سعودی در گذشته با دولت سابق یمن بر سر اجرایی کردن این طرح به توافق نرسیدند و تبدیل یمن به چند اقلیم این امکان را برای عربستان فراهم می آورد که بدون جواب پس دادن به یک دولت مرکزی اقدامات اقتصادی خود را پی بگیرد.

اما امارات منافع جداگانه‌ای در یمن دارد و بیشتر در پی دستیابی به میادین نفتی و گازی این کشور است که عمدتا در جنوب قرار دارد و از این رو است که از نیروهای تجزیه طلب جنوبی حمایت می کند. نزاع میان نیروهای مورد حمایت امارات و عربستان در یمن و به ویژه تصرف کاخ معاشیق در عدن هم ناشی از همین تضاد منافع است. اکنون و بعد از گذشت سال‌ها از دخالت نیروهای منطقه‌ای و فرامنطقه در امور داخلی یمن و تشدید نابسامانی در این کشور، برخی از گروه های سیاسی یمن ادامه روند کنونی را به مصلحت یمن نمی‌دانند و بر این باورند که طرح های تجزیه‌طلبانه حتی در کوتاه مدت هم منافع آنها را تامین نخواهد کرد و بهترین راهکار هم‌گرایی بین گروه‌های داخلی و ایستادگی در برابر تجاوز نظامی خارجی برای برون رفت از بحران یمن است.

موضوع تجزیه یمن یکی از آخرین پروژه‌هایی است که از سوی آمریکا و البته با اجرای عربستان و امارات در دستور کار قرار گرفت اما این کشورها در این پروژه نیز توفیقی به دست نیاوردند

عراق، اولین گزینه

اشغال افغانستان و عراق از سوی آمریکا، سیاستمداران کاخ سفید را بر آن داشت تا زمینه را برای رسمی کردن برنامه‌های خود فراهم کنند. حتی سنای آمریکا با انتشار یک مصوبه رسمی در سپتامبر ۲۰۰۷ قصد خود را مبنی بر تجزیه عراق به سه منطقه فدرالی افشا کرد. طرحی که البته تا مدت‌های زیاد از سوی کشورهای دیگر مورد بی اعتنایی قرار گرفت و دولت‌های وقت آمریکایی توانی برای اجرایی کردن آن پیدا نکردند. البته جو بایدن معاون رئیس جمهور آمریکا در ژوئن سال ۲۰۱۳ خواستار برپایی اقلیم شیعی، سنی و کردی شده بود و راهکار بحران عراق را تبدیل آن به سه اقلیم دانسته بود.

یکی دو سال قبل با مطرح شدن زمزمه‌های برگزاری رفراندم برای استقلال اقلیم کردستان بار دیگر مساله تجزیه عراق مطرح شد. مقامات این اقلیم که مدت‌ها درصدد پیاده کردن این طرح بودند بدون توجه به توصیه‌های مشفقانه کشورهای همسایه، اقدام به برگزاری رفراندوم کردند. بلافاصله این حرکت از سوی مقامات رژیم صهیونیستی مورد استقبال قرار گرفت و البته با واکنش منفی بسیاری از کشورها مواجه شد. بی‌شک یکی از دلایل مطرح کردن چنین طرح تجزیه‌طلبانه‌ای درباره عراق مهار نفوذ ایران در عراق و همچنین گروه‌های وابسته به مقاومت بود. آمریکایی‌ها هم آن موقع دریافته بودند که چیزی به پایان حیات داعش در عراق نمانده و گروه‌های مقاومت به عنوان عوامل اصلی شکست داعشی‌ها به اوج محبوبیت خواهند رسید از این رو در ابتدای کار از طرح استقلال اقلیم کردستان حمایت کردند اما بعدها با توجه به شتاب زدگی و خامی این طرح با سکوت از کنار ماجرا گذشتند. طرح تجزیه عراق البته با عقب نشینی مقامات اقلیم کردستان و شکست داعش به فراموشی سپرده شد.

آشوب در سوریه

سوریه یکی از کشورهای مقاوم در برابر اسرائیل و سیاست‌های تجزیه طلبانه آن، تا مدت ها به دور از آشفتگی‌های سیاسی به عنوان یکی از دولت‌های تاثیرگذار عربی به نقش آفرینی در خاورمیانه می‌پرداخت اما بعد از شروع تحولات در کشورهای عربی، برخی از کشورهای فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای درصدد برآمدند تا ساختار سیاسی و قومی سوریه را به هم بریزند. به هم ریختگی اوضاع در لیبی و سقوط حکومت معمر قذافی شرایط مناسبی را برای آشوب طلبان مورد حمایت قدرت‌های عربی و غربی فراهم کرد تا شورشیان فتنه‌طلبی که خواهان سقوط بشار اسد بودند ضمن دیدن آموزش‌های نظامی از حمایت‌ها و پشتیبانی‌های مالی دولت‌های مخالف اسد بهره ببرند. رویکرد غرب و آمریکا نشان می‌دهد که این کشورها از ادامه درگیری‌ها و گسترش هرج و مرج در سوریه حمایت می‌کنند. از نظر آنها ادامه جنگ در سوریه میان گروه‌های مختلف اعم از داعش و دیگر گروه‌های تروریستی و همچنین تجزیه‌طلبان با دولت سوریه باعث افزایش شکاف ساختاری در بین جامعه سوری می‌شد. این فتنه‌پراکنی‌ها لباس قومی و مذهبی داشت و ادامه و مدیریت نکردن آن باعث تجزیه کشور می‌شد. کم کم ایده‌های تجزیه سوریه که قبلا در اتاق‌های فکر مشاوران آمریکایی، انگلیسی و فرانسوی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گرفت با گسترش ناآرامی در این کشور به صورت علنی مطرح شد. براساس پژوهشی که از سوی یک مرکز بین‌المللی مطالعات در فرانسه صورت گرفته بود تلاش برای روی کار آمدن یک نظام لیبرالی طائفه محور براساس مدل لبنان در دستور کار قرار گرفت. از سویی دیگر آمریکایی‌ها که پیدا و پنهان هم از داعشی‌ها و هم از تجزیه‌طلبان حمایت می‌کردند طرح تقسیم سوریه را براساس استقلال یا خودمختاری منطقه کردنشین، بخش‌های سنی‌نشین و علوی‌مذهب در سر می پروراندند اما کمی بعد و در پی تسلط ارتش سوریه بر اوضاع، جلوگیری از ادامه پیشروی داعش و پس گرفتن برخی از مناطق تصرف شده، واکنش مناسب در برابر حملات گروه‌های تجزیه‌طلب، بروز اختلاف در میان آشوب طلبان و شکل‌گیری بسیج مردمی شامل عناصر سنی و شیعی با محوریت حفظ یکپارچگی سوریه، بهره‌گیری از نظرات گروه‌های مستشاری ایران و عملکرد مناسب روسیه، سناریو تجزیه سوریه به پایان خود نزدیک می‌شود. این حقیقتی است که البته رژیم صهیونیستی با نگرانی آن را دنبال می‌کند و از تحولات روسیه و تحکیم مواضع جبهه مقاومت در این منطقه نگران است.

یادداشت

موانع موفقیت آمریکا در اجرای طرح تجزیه

حسن لاسجردی / کارشناس مسائل منطقه

آمریکا از سال ۲۰۰۰ به بعد موضوع تجزیه کشورهای منطقه را پیگیری می‌کند؛ به این معنی که بتواند کشورهای قدرتمند یا نیروهای بازیگر موثر در منطقه را به‌گونه‌ای از طریق تجزیه قومیتی یا تغییر نقشه جغرافیایی، کوچك کند تا به این ترتیب موجب از بین رفتن اقتدار مرکزی آنها شده یا با اختلاف انداختن در آن کشورها بتواند جنگ درونی راه بیندازد و از این طریق هم باعث کاهش توان کشورهای منطقه شود. در این صورت آن کشورها توان مخالفت با کشورهای بزرگ را ندارند و سیاست منطقه‌ای قدرت‌های بزرگ راحت‌تر انجام می‌شود و در ضمن جنگ داخلی در منطقه می‌تواند سوپاپ اطمینانی برای کشورهای دیگر در جهت استقرار هژمونی آنها شود.

تاکنون قسمت مهمی از سیاست تجزیه کشورها توسط آمریکا در کشورهایی مانند عراق و افغانستان سیاستگذاری، اجرا و تحمیل شده اما به نتیجه نرسیده است. نبود شناخت کافی آمریکا از قبایل و زندگی عشیره‌ای در این منطقه، عوامل دینی، جایگاه مرجعیت و عقاید سیاسی مانع واگرایی در عراق شد.

در مورد یمن نیز باید گفت سیاستی که عربستان و امارات و کشورهای ائتلاف عربی اتخاذ کرده‌اند تهاجم نظامی، محاصره و... است اما مواضع اعتقادی ملت یمن باعث ناکامی عربستان و امارات شده است؛ زیرا مردم یمن با توجه به سابقه‌ای که از عربستان دارند و همیشه در معرض تهاجم این کشور بوده‌اند همیشه آماده مقابله با این نزاع هستند. همچنین عامل دیگر در زمینه ناکامی عربستان و... برای تجزیه یمن را می‌توان، اقدامات محور مقاومت دانست. مقاومت ارتباطات خاص خود را دارد و کسانی که با این جریان پیوند می‌خورند می‌توانند با این پیوندها در معرض حمایت این جریان قرار بگیرند. در حال حاضر جریان مقاومت در یمن به‌دنبال احقاق حقوق همچنین حفظ تمامیت ارضی و نقش‌آفرینی در فرآیند سیاسی این کشور است.

با توجه به تجربه چند دهه گذشته یمنی‌ها پی برده‌اند که اگر در مقابل عربستان نایستند منجر به شکست آنها، تجزیه کشورشان و از بین رفتن هویت آنها می‌شود.